

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه آزاد اسلامی
(واحد شاهرود)

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A.)
رشته تاریخ ایران اسلامی

عنوان :
ایل قاجار در استرآباد
(از مهاجرت تا تأسیس حکومت)

استاد راهنما:
دکتر محمدنبی سلیم

استاد مشاور:
دکتر محمدعلی علیزاده

نگارش:
محمدرضا شعبانی

تابستان ۹۲



Islamic Azad University
Shahrood Branch

Faculty of Humanities - Department of History

M.A. thesis on Islamic Iran History

Title:

Qajar Tribe in Astarbad(From Imaigration Till Reign)

Thesis Advisor :

Mohammadnabi Salim, Ph.D

Consulting Advisor:

Mohammad Ali Alizadeh, Ph.D

By :

Mohammad Reza Shaabani

Summer 2013

تقدیر و سپاس :

عرصه شکوفایی علمی در تمامی ادوار تاریخ کهن این سرزمین، مرهون اهل قلمی بوده که با جهل و گمراهی به مبارزه برخاستند.

در ابتدا

به رسم ادب از تلاش‌های اساتید گرانقدرم

در دوره تحصیلی مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

که در بذل دانش به ما هر آنچه که داشته هیچ گونه دریغ ننموده‌اند.

همچنین

بر خود وظیفه می‌دانم از زحمات ارزنده اساتید فرزانه و گرامی :

جناب آقای دکتر محمدنبی سلیم به عنوان استاد راهنمای این پایان نامه

و

جناب آقای دکتر محمدعلی علیزاده به عنوان استاد مشاور این پایان نامه

تشکر و قدردانی نمایم و برایشان آرزوی سعادت و سلامت نمایم.

و از

استاد ارجمند و دوست گرانمایه

جناب آقای رحمت الله رجائی

در کتابخانه میرداماد گرگان و سایر بزرگوارانی که مرا مدیون آموزش‌های ارزشمندشان نمودند

تشکر دارم.

تقدیم به :

پیشگاه استادان گرانقدر و محترم

و

همسر مهربان

و

فرزند دلبندم

که با تحمل تمام ناملایمات ، نگارنده را در تمام مراحل تحقیق و در همه شرایط و همه زمان همراه و همگام بودند.

دست های گرم و پرمهر شان را می فشارم و برایشان از یزدان پاک ، تندرستی را آرزومندم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده ۱
۲	فصل اول: کلیات تحقیق
۳	۱-۱ بیان مسئله
۴	۲-۱ هدف پژوهش
۵	۳-۱ سوالات تحقیق
۵	۴-۱ فرضیات
۶	۵-۱ پیشینه تحقیق
۶	۶-۱ روش کار
۷	۷-۱ موانع تحقیق
۷	۸-۱ ساماندهی پژوهش
۷	۹-۱ نقد و بررسی منابع و مآخذ
۹	فصل دوم: جغرافیای تاریخی استرآباد
۱۰	۱-۲ نام و جای استرآباد
۱۴	۲-۲ تباهی جرجان و برآمدن استرآباد
۱۶	۳-۲ موقعیت جغرافیایی استرآباد
۲۰	۴-۲ قلعه مبارک آباد
۲۱	۵-۲ ترکمانان استرآباد
۲۵	۶-۲ اقتصاد استرآباد
۲۶	۷-۲ آثار تاریخی در استرآباد
۲۸	۸-۲ استرآباد در سفرنامه‌های فرنگیان

۳۵	فصل سوم: استرآباد و قاجاران در قرون ۱۱ و ۱۲
۳۶	۱-۳ استرآباد در عصر صفوی
۴۰	۱-۱-۳ نقش عشایر در تحولات استرآباد
۴۱	۲-۱-۳ ترکمن‌ها در استرآباد
۴۲	۳-۱-۳ شاه عباس اول و کوچاندن قاجاران
۴۳	۴-۱-۳ استقرار طایفه قاجار
۴۷	۵-۱-۳ پیوند سیاسی و نظامی ترکمانان با قاجارها
۴۸	۶-۱-۳ فتحعلی خان قاجار
۵۲	۷-۱-۳ نقش ترکمانها در فتوحات فتحعلی خان
۵۴	۲-۳ محمدحسن خان قاجار
۶۱	۱-۲-۳ نقش ترکمن‌ها در فتوحات محمدحسن خان
۶۳	۳-۳ قاجارها در دوره افشاریه
۶۴	۱-۳-۳ شورش در استرآباد
۶۶	۴-۳ قاجارها در دوره زندیه
۶۹	۱-۴-۳ جنگ با علیمردان خان زند
۷۱	۲-۴-۳ پیکار با جعفر خان زند
۷۳	۳-۴-۳ آخرین کارزار با زندیه
۷۸	فصل چهارم: تأسیس سلسله قاجار
۷۹	۱-۴ قاجارها و مدعای سلطنت
۸۱	۲-۴ بنیانگذار سلطنت قجر
۸۴	۳-۴ تاملی بر کارنامه قاجاریه
۱۰۱	نتیجه
۱۰۶	پیوستها
۱۲۳	فهرست منابع و مأخذ
۱۲۸	چکیده انگلیسی

فهرست پیوستها

۱. نقشه بافت قدیم استرآباد ۱۰۷
۲. شجره طوایف ترکمانان ۱۰۸
۳. یک وقفنامه استرآباد ۱۰۹
۴. وقفنامه عهد صفوی در استرآباد ۱۱۱
۵. سه فرمان از فتحعلی خان قاجار ۱۱۲
۶. مسجد جامع گرگان ۱۱۶
۷. نقاشی دارالحکومه استرآباد ۱۱۷
۸. پل آق قلا در عهد صفوی ۱۱۸
۹. برج و باروی استرآباد ۱۱۹
۱۰. عمارت عالی قاپو در استرآباد ۱۲۰
۱۱. وقفنامه محمدحسین خان قاجار ۱۲۱
۱۲. یک لوح فرمان مربوط به عهد صفوی ۱۲۲

چکیده:

ضرورت تحقیق در باب دودمان های محلی و عشیرتی ایران دوران اسلامی بر کمتر کسی پوشیده است. چرا که این عشایر بوده اند که غالب حکومت‌های ایرانی را تاسیس نمودند. پژوهش حاضر به بررسی یکی از سکوه‌های پرش عشایر تاریخ ساز ایران دوره اسلامی یعنی استرآباد و حضور و نقش آفرینی طایفه قاجار در این ناحیه طی سده های ۱۱ و ۱۲ هجری قمری می پردازد که مصادف بوده است با دوران زمامداری دودمان های عشیرتی دیگری همچون: صفویان، افشاریان و زندیان. طی این دوره روند کوچ و اسکان ایل قاجار در منطقه استرآباد در کرانه شرقی دریای مازندران سرعت یافت و با قدرت نمائی ایلمردانی از طایفه قجر همچون دو تن از نیاکان دودمان قاجار یعنی فتحعلی خان و محمدحسن خان قوانلو، زمینه و بستر لازم برای سلطنت بنیانگذار حکومت ۱۳۰ سال قاجاریه فراهم گردید. لذا از مهاجرت طایفه قاجار تا برآمدن اقبال حکمرانی آنها زمان مطالعه این پژوهش می باشد.

روش پژوهش در این تحقیق، منطبق با اصول و قواعد مرسوم در حوزه مطالعات علوم انسانی و بر پایه تحقیقات نظری می باشد که طی آن با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و استخراج مطالب نوشتاری، سعی شده تا به اعتبارسنجی داده ها با کمک منابع و اسناد معتبر و تطبیق اطلاعات مستخرج با اسناد و مدارک همت گماشته شود و پس از پالایش داده های موثق، به جمع بندی و تدوین پژوهش در قالب پایان نامه اقدام شود.

نتیجه یافته‌ها نشان می‌دهد کوچاندن ایل قاجار به علت سیاست مرکزیت گرای دولت صفوی و در جهت صیانت از مرزهای کشور و نیز تمرکز زدایی از طوایف قزلباش برای جلوگیری از خودسری آنان بوده است. از این رو، انتقال قاجارها به ناحیه استراتژیک استرآباد توانست ضمن تضعیف طوایف هم پیمان قزلباش، مانع از تهاجمات ترکمانان به نواحی شهری داخل ایران شود. با این حال، فرصتی به دست طایفه قاجار داد تا از شرائط سودمند زمان و مکان مقرر خویش برای تحرک سیاسی و نظامی در منطقه و کسب قدرت استفاده کند.

کلید واژه: استرآباد، ایل قاجار، مازندران شرقی، ترکمانان، سده های ۱۱ و ۱۲ ه.ق

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ بیان مسئله

قبیله قاجار یکی از چندین قبیله پیمان و متحد شده ی قزلباش بود که به صعود دودمان صفوی بر سریر قدرت سیاسی در ایران کمک نمود. قاجارها که تبار خود را به قاجار نویان از سرداران چنگیز خان مغول می‌رساندند، در زمانی نسبتاً دور و احتمالاً همراه با طوایف ترک و مغول سده ۶ و ۷ ه. ق وارد ایران شدند. هنگامی که تیمور گورکانی سودای جهانگیری نمود، قبایل بسیاری از جمله ایل قاجار را به بند کشید. ولی آنها به خواهش خواجه علی سیاهپوش، از اجداد شاهان صفوی آزاد شدند و پس از گرایش به کیش تشیع، دست ارادت به خاندان صفوی دادند. بدین ترتیب، قاجارها یکی از سازندگان سپاه قزلباش شدند، سپاهی که مقدر بود فرزندان شیخ صفی الدین اردبیلی را به تخت شاهی ایران برساند. اما ایل قاجار که ابتدا در شمال رود ارس ساکن بود؛ به دلیل کمک های نظامی خود به دربار و ارتش صفوی، قدرت فزاینده‌ای یافته بود و این امر می توانست خطری را متوجه کیان دولت مرکزی صفوی بنماید. از همین رو، شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶) بخشی از طوایف قاجار را به منطقه استرآباد کوچانید تا به عنوان سدی در برابر تهاجمات پی در پی قبایل ترکمن و ازبک عمل کنند و از ایجاد مزاحمت برای تامین امنیت داخلی نیز منع شوند، در این جا و در کنار قلعه مبارک آباد در حاشیه گرگان رود بود که ایل قاجار به دو شاخه تقسیم شد. شاخه بالای رود گرگان به یوخاری باش و شاخه پایین رود به اشاقه باش معروف شدند و هر کدام به طایفه ها و ایلات کوچکتری تقسیم شدند.

با این همه، طی دوره دوم زمامداری صفویه، دولت مرکزی برای جلوگیری از اتحاد همین طوایف کوچک شده ی قجر، تلاش نمود تا بین دو طایفه کلان و معتبر قاجار یعنی قوآنلو و دوانلو رقابت و نفاق ایجاد کند تا مانع از ترکنازی ایشان در منطقه گردد. پس از یورش افغانه و فروپاشی حکومت صفویه، شاه تهماسب دوم، پادشاه بدون اورنگ صفوی، برای جلب متحد و استفاده از کمک نظامی عشایر به سمت مقر یکی از ایلمردان بنام قاجار در استرآباد به نام فتحعلی خان قوآنلو رفت، فتحعلی خان نیز برای استفاده از نام و اعتبار شاه و کسب مشروعیت، سپهسالاری سپاه وی را عهده دار شد. اما چندی نگذشت که با توطئه نادرقلی افشار والی کلات در مشهد کشته شد و

تلاش قوائلوها برای کسب قدرت مشروع ناکام ماند. پس از وی فرزندش محمدحسن خان جای او را گرفت و به ستیز با افشاریان و سپس حکام محلی جنوب غرب ایران یعنی دولت زندیه مشغول شد. به ویژه پس از مرگ نادرشاه، طایفه قاجار در استرآباد به سرمداری محمدحسن خان در پی ایجاد پادشاهی برآمد. اما در نهایت مغلوب کریم خان زند شد و محمدحسن خان به دست یکی از اعضای طایفه رقیب کشته شد و فرزندان او به عنوان گروگان به دربار زندیه در شیراز فرستاده شدند.

مع هذا، گوئی حس قدرت طلبی و میل به تحقق آرزوی سلطنت در نهاد قوائلوها و خاصه فرزندان محمدحسن خان پایان ناپذیر بود. پس از مرگ کریم خان زند، آقا محمدخان فرزند ارشد و جاه طلب محمدحسن خان از شیراز فرار کرد و پس از جنگ و گریزهای فراوان، موفق شد تا مدعای نیاکان خود را جامه عمل بپوشاند. دودمان های حکومتگر افشاریه و زندیه را ساقط کرد و دولت پادشاهی قاجار را تاسیس کرد. دولتی که بار دیگر و پس از سیصد سال از زمان وحدت یابی ایران توسط صفویان، مجدداً انسجام خود را باز یافت و ایران را دارای یک حکومت متحد و مرکزی گرداند. بدین ترتیب، دودمان عشیرتی قاجار به عنان واپسین دولت ایللیاتی تاریخ ایران موفق شد از حدود سال ۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ هجری شمسی/۱۷۹۶-۱۹۲۵ م بر ایران فرمان براند. پس از ۱۲۹ سال سلطه این طایفه بر ایران، در پائیز ۱۳۰۴ ش/۱۳۴۴ ق/۱۹۲۵ م، هفتمین و آخرین پادشاه این سلسله یعنی احمدشاه قاجار از سلطنت برکنار شد و دودمان سلطنتی جدیدی توسط رضاخان سوادکوهی (پهلوی) بر سر کار آمد که واپسین حکومت پادشاهی در ایران بوده است

۲-۱ هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش روشن نمودن زوایای مبهم مقطعی از تاریخ ایران است که در باره آن دانسته های اندکی وجود دارد. این پژوهش علاوه بر شناسایی اوضاع ناحیه استرآباد و بررسی جغرافیای تاریخ منطقه ائی از ایران زمین، به ریشه های قدرت یابی یکی از معروفترین دودمان های عشیرتی تاریخ معاصر ایران نیز می پردازد. بررسی عوامل اساسی در فرآیند توسعه و بلوغ تاریخی قوم قاجار و شناخت وقایع تاریخی قرن های ۱۱ تا ۱۳ ق از اهداف اصلی این تحقیق می باشد. تبیین چگونگی و علل و فرآیند تدریجی به قدرت رسیدن ایل قاجار طی مراحل مهاجرت و اسکان تا قدرت یابی و نفوذ در منطقه استرآباد و شرق مازندران مساله مهمی است که پژوهش حاضر سر آن دارد تا بدان بپردازد

۳-۱ سوالات تحقیق

در طی انجام مطالعات اولیه ، سوالات چندی در ارتباط با موضوع حاضر به ذهن خطور کرد که مهمترین آن این بود:

۱- آیا هدف شاه عباس از کوچانیدن ایل قاجار به استرآباد تا زمان تأسیس این سلسله فقط جلوگیری از شورش آنان بود؟

و نیز پرسش های چندی نیز به تدریج به ذهن متبادر گردید که عبارت بودند از :

۱- آیا شاه عباس به دلیل ترس از قدرت روزافزون ایل قاجار آنان را در ناحیه استرآباد اسکان داد؟

۲- آیا شاه عباس به دلیل مقابله با خطر ترکمن ها در ناحیه استرآباد به کوچاندن ایل قاجار اقدام نمود؟

۳- آیا به قدرت رسیدن ایل قاجار حاصل تنش ها و تضادهای درون جامعه بوده یا خود محصول منطقی شرایط اجتماعی ایران بوده است؟

۴-۱ فرضیات تحقیق

در مسیر پیمایش تحقیق ، پاسخ هائی در باره سوالات تحقیق به وجود آمد که صورت فرضیه داشتند، از جمله:

۱- به نظر می رسد هدف شاه عباس از کوچاندن ایل قاجار به استرآباد تا زمان تأسیس این سلسله فقط جلوگیری از شورش آنان بوده است.

۲- به نظر می رسد شاه عباس به دلیل ترس از قدرت روزافزون ایل قاجار در ناحیه استرآباد اسکان داد.

۳- به نظر می رسد شاه عباس به دلیل مقابله با خطر ترکمانان، اقدام به مهاجرت ایل قاجار به ناحیه استرآباد نمود.

۴- به نظر می رسد به قدرت رسیدن ایل قاجار حاصل تنش ها و تضادهای درون جامعه بوده هست.

۵- به نظر می رسد به قدرت رسیدن ایل قاجار محصول منطقی شرایط اجتماعی ایران بوده است.

۵-۱ پیشینه تحقیق

درباره موضوع این پژوهش، تالیف مستقلی وجود ندارد. تنها در کتاب تاریخ بنیان قاجار از رضا جهانسوز که در سال ۱۳۳۳ شمسی منتشر شده است و نیز در اصل و منشاء ایل قاجار

از رضا ناروند چاپ شده به سال ۱۳۵۸ ، مطالبی در خصوص موضوع حاضر می توان یافت که به روز نمی باشند . همچنین پاره ایی اطلاعات تاریخی در برخی مقالات منتشره به زبان فارسی در دسترس است که در این باب به صورت جسته و گریخته مطالبی ارائه کرده اند. از جمله مقاله محقق قزوینی تحت عنوان خاستگاه تاریخی ایل قاجار در فصلنامه تاریخ معاصر ایران در بهار ۱۳۶۹ و دیگر مقاله جیمز رید با عنوان اویماق قاجار در دوره صفویه در یادنامه میرزا جعفر سلطان القرائی، که در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه تبریز به چاپ رسیده است. با این همه ، منابع مذکور فاقد نکاتی هستند که پژوهش حاضر در صدد بررسی آنها است.

۱-۶ روش کار

یکی از مهم ترین روش های جمع آوری اطلاعات برای تحقیق اسنادی یا نظری ، استفاده از منابع کتابخانه ائی است. نگارنده ضمن مطالعه کتابها، مقالات و اسناد موجود و مرتبط با موضوع ، تلاش نموده است تا به یاری روش تحقیق توصیفی و تحلیلی، داده های به دست آمده را محک زده و مورد اعتبارسنجی قرار دهد. در این راه ، کوشیده است تا بعد از مرحله دشوار فیش برداری و جمع آوری داده ها از منابع نوشتاری و یا دیگر بانک های اطلاعاتی و شبکه های کامپیوتری، داده های حاصله را با معیار نقد و تطبیق سنجیده و راستی آزمائی کند. سپس گزیده اطلاعات معتبر و پالایش شده را بر اساس اسلوب تالیفات علمی ، به شکل یک نوشتار علمی تدوین نماید.

۱-۷ موانع تحقیق

در نگاه اول ، دوره قاجار یکی از ادوار مهم تاریخ ایران است که نسبت به دوره های دیگر از منابع بیشتر و متنوع تری برخوردار است. اما برای پژوهش حاضر که بخش عمده کنکاش خود را به دوره ماقبل قاجار اختصاص داده است ، این امتیاز سود چنانی ندارد. محققان تاریخ می دانند که تالیفات تاریخی مرتبط با دوره های افشاریه و زندیه نه تنها محدود و گاهاً نایاب هستند که به لحاظ سبک نگارش نیز بر صعوبت کار می افزایند و محقق را با تکلف و پیچیدگی نثر روبرو می سازند . به علاوه، متأسفانه شماری از سفرنامه های خارجیان از این دوره هنوز به فارسی برگردانده نشده اند.

۸-۱ ساماندهی تحقیق

با عنایت به محدود بودن مباحث اصلی این موضوع، پایان‌نامه حاضر از چهار فصل تشکیل شده است:

فصل یکم، با عنوان کلیات تحقیق به مواردی چون بیان مساله، اهداف پژوهش، سوالات و فرضیات، پیشینه موضوعی، موانع کار، پیکر بنید تحقیق و نقد و بررسی منابع و مآخذ می‌پردازد. فصل دوم، جغرافیای تاریخی استرآباد را در نظر دارد. در این جا به مباحثی چون موقعیت جغرافیایی استرآباد در اعصار تاریخی و با تأکید بر موقعیت جغرافیایی آن در دوران صفویه، افشاریه، زندیه و بعضاً قاجاریه پرداخته شده است.

موضوع فصل سوم، استرآباد و قاجاران در دوره فترت نام دارد که به بررسی وضعیت سیاسی منطقه استرآباد و ساکنان مشهور آن یعنی ایل قاجار در دوره های صفویه، افشاریه، زندیه اختصاص دارد.

فصل چهارم به تاسیس حکومت قاجار و نتیجه منازعات سردمداران این طایفه خاصه آقامحمدخان می‌پردازد و با توضیحی در باره وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در آستانه ظهور قاجاران به پایان می‌رسد.

در پایان، بحث نتیجه‌گیری پژوهش و ارائه نظرات قرار داده شده است و با پیوستها و کتابنامه به فرجام رسیده است.

۹-۱ نقد و بررسی منابع و مآخذ

منابع و مآخذ مورد استفاده در این پژوهش را به دو دسته منابع اولیه و مآخذ یا تحقیقات معاصرین تقسیم توان کرد:

در بین منابع اولیه که می‌توانند به دو دسته تاریخی و غیر تاریخی تقسیم شوند، تواریخی چونان: مجمل التواریخ ابوالحسن گلستانه، ناسخ التواریخ محمدتقی سپهر، روضه الصفای رضاقلی هدایت، جهانگشای نادری میرزا مهدی استرآبادی و یا تالیفات غیر تاریخی مانند: سفرنامه های کروسینسکی و هانوی و قورخانچی و .. قابل ذکر هستند. در استفاده از این تالیفات، احتیاط محققانه و نگرش نقادانه به سبک و سیاق مورخان درباری شرط کار بوده است.

اما تحقیقات نویسندگان معاصر اعم از پژوهندگان ایرانی یا اروپائی هم در این تحقیق مد نظر و مورد استفاده بوده اند. کتاب هائی چون: تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوره معاصر از سعید

نفیسی، از استارا تا استرآباد منوچهر ستوده ، تاریخ قاجار محسن سلیم، تاریخ ایران کمبریج به
کوشش پیتر آوری و.. که محتاطانه به آنها استناد داده شد.

فصل دوم

موقعیت جغرافیایی

استرآباد

۲-۱ نام و جای استرآباد

استرآباد نام قدیمی شهر کنونی گرگان و مرکز ایالتی به همین نام در شمال ایران بوده است. این شهر در ادوار باستانی در منطقه هیرکانیا واقع شده و در دوران صفویه و قاجار مرکز ایالت استرآباد بوده است.

این اسم در منابع مختلف به صورت‌های گوناگونی آمده است از جمله: استارآباد، ستارآباد، استرآباد، لسترآباد بدون اعراب و در سروده‌های پاری قرون چهارم و پنجم هـ ق به صورت استارآباد آمده است. درباره وجه شمیة نام شهر، روایات مختلفی در میان است که گرگان باستانی، شهر زدرکرت (Zdaracarta) در عصر هخامنشیان را با شهر استرآباد مطابقت داده‌اند. به گفته‌ی نویسندگان نخبه سیفیه، چون گرگین بن میلاد در جایی که چرا خوراسبان و استرانشان بود، توقف کردند، نام آن محل را استرآباد که به معنای جایگاه استران است، نامید. عده‌ای دیگر از مورخین، استرآباد را ساخته شده از دروازه استرآباد به معنی بنا نهاده استر هم دانسته‌اند، اشاره ایشان به استر، همسر خشایارشا پادشاه هخامنشی و برادرزاده مردخای یهودی می‌باشد. برخی از پژوهندگان نیز واژه استر را تخفیف یافته استاره که به معنی ستاره و کوکب لسا و نام استارآباد را نیز به معنای ستاره آباد و شهر ستارگان گرفته‌اند.^۱

این شهر در عصر صفوی با نام‌های دارالفتح و دارالملک نیز خوانده می‌باشد و از پایان آن عصر تا دوره قاجاریه، آن را به جهت سکونت کثیری از سادات، دارالمومنین نیز می‌خواندند. بر کتیبه‌هایی عهد صفوی و سکه‌های قاجاری در ۱۲۸۱ هـ ق نام شهر، دارالمومنین استرآباد آمده است. اما در باب وجه تسمیه این شهر باید گفت این اسم اعلم است لفظش مرکب است از کلمه استر و آباد استر مخفف استاره به معنی کوکب و آباد به معنی عمارت است. یاقوت در کتاب خود نا استرآباد را به فتح الف ضبط کرده بر خلاف امروز که به کسر الف می‌خوانیم شاید مفتوح خواندن

^۱ نیستانی «استرآباد» در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۸، ص ۱۷۵

الف استرآباد به معنی قاطر نیز آمده است. می‌گوید این شهر از بلد کبیره است جمعیت از اهل علم در هر فن از دانش از آن ظهور کرده است.^۱

مولف مرات البلدان می‌نویسد: بنایش قدیمی و لفظش مرکب است از استرآباد استر مخفف استار به معنی کوکب و آباد به معنی عمارت است... خشایار شاه استر را که برادر زاده مرد خای یهودی و دختر صاحب جمال بود چون به حباله نکاح خود در آورد این شهر را بنا کرد به نام زوجه معشوقه خود نامید. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه اضافه کرده است که: استرآباد همان ستاره آباد است. در زمان زردشت که عجم اجرام مضيئه را مظاهر انوار قدسیه می‌شمردند و کواکب را زاید الوصف معظم می‌گرفته‌اند این شهر را بنا کرده‌اند و به این اسم موسوم نموده‌اند.^۲

اما قورخانچی بر آن است که: معنی لغوی استرآباد، شهر آناهیتاست. استرآباد یا گرگان فعلی می‌تواند منسوب به استر و ناهید باشد. شاید به همین دلیل است که پادشاهان استرآباد را با لقب آناهید می‌شناختند و استرآباد را در قدیم استرک نیز می‌گفتند.^۳ بنابراین شهر قدیم و لفظش مرکب از استر و آباد است استر مخفف است به معنی ستاره و آباد عمارت است و استر آباد مخفف ستاره آباد است زیرا در زبان زردشت ایرانیان اجرام مضيئه را مظاهر انوار قدسیه می‌دانستند و ستاره‌ها را زاید الوصف بزرگ و معظم می‌گرفتند.^۴

رضاقلی هدایت در سفرنامه خوارزم می‌نویسد: استرآباد شهری است از اقلیم چهارم به جرجان و قاعده آن ملک است، گویند چون گرگین میلاد، شهر گرگان را بنا نهاد و مساحت دایره آن را ۴ فرسنگ بود. خربندگان و استران، به مرتعی و چرا خوری آمدند و در آنجا بماندند و خانه‌های چوبی ساختند و آنجا را استرآباد شاه عباسی اول آنها را از آذربایجان به استرآباد، مرو، و نواحی مرکزی ایران کوچ داد. آقامحمدخان از قاجارهای استرآباد است. قاجارهای استرآباد به علت زندگی در دور طرف رود گرگان و نوع معیشت به دو دسته اشاقه باش و یوخاری باش تقسیم شده‌اند.

در بحث قواعد دستوری. استرآباد را مرکب از دو کلمه استر و مخفف استار به معنی ستاره و آباد می‌دانند زیرا در حوالی شهر گرگان (استرآباد سابق) دو مرتع به نام‌های استار محله را استارین وجود دارد. استار در این دو نام به نزد مردم این نواحی معنی ستاره می‌دهد و مردم کوهپایه‌ای

^۱ یاقوت حموی، معجم البلدان، جلد اول، ص ۱۵۷.

^۲ اعتماد السلطنه، مرآت البلدان، ص ۱۴۴.

^۳ قورخانچی، نخبه سیفیه، ص ۱۳.

^۴ بیرونی، آثار الباقیه، ص ۱۳۵.

گرگان منطقه فارسی زبان جنوب سیاه آب (قره سو) را تا پای دامنه کوه استرآباد و ساکنان آن استرآبادی می‌خوانند.^۱

ایالت استرآباد در قسمت شمال شرقی ایران بین عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه، طول جغرافیایی ۵۴ درجه و ۵۶ دقیقه می‌باشد. محدود است از شمال به رودخانه گرگان و از جنوب به جبال البرز و حدود شاهرود و نواحی بسطام، از مغرب به دریای خزر و مازندران و از مشرق به ناحیه جاجرم و خانات ناروین.^۲

عریض‌ترین قسمت سرزمین استرآباد از قره سو تا حدود شاهرود و تقریباً ده فرسخ است و طویل‌ترین قسمت آن از جرکلاباد تا حدود کوهسار تقریباً ۱۰۰ میل است. استرآباد مانند سایر ایالات ساحلی شمالی ایران جلگه ای از شرق به غرب دارد و قسمت کوهستانی حد جنوب آن را تشکیل می‌دهد. این جلگه دارای جنگل‌های عالی است و نهرهای متعدد از میان آن مجاری است و تا حدود نود که تقریباً در ۵۰ میلی حد غربی ایالت است امتداد دارد.

این ایالت به هفت ناحیه تقسیم شده است: انزان، سدن رستاق، شاهکوه، ساور، استرآباد، رستاق، کتول، فندر سک، کوهسار، بلوکهای شرق اکثرأ و بقول دسته دیگر آنها اصلاً بلوچ هستند.

در ناحیه غربی استرآباد قسمت عمده ای اهالی تاجیک‌اند. به علاوه کمی از ایل قاجار و مقصودلو که اصلاً از قره باغ آمده‌اند و در زنگی محله و محمدآباد هستند. عده ای زیاد از اهالی دهات سابقاً از بربری‌های هزاره بودند که از مهاجران خیلی قدیم به شمار می‌رفته‌اند. زبان و لهجه‌هایی که در این ایالت معمول است. فارسی، ترکی، ترکمنی، تاقی، مازندرانی است. تمام سکنه شیعه هستند و به غیر از ترکمن‌ها که مذهب تسنن دارند. جاده شاه عباسی که از سراسر ایالت می‌گذرد. بین بندرگز و استرآباد محل رفت و آمد چاروادارهاست.^۳

با پایان گرفتن حکومت تیموریان در خراسان، استرآباد نیز به تصرف لشکریان شیبیک خان ازبک در آمد پس از پیروزی شاه اسماعیل صفوی بر سپاهیان ازبک در ۹۱۶ ه.ق استرآباد نیز حاکمی از سوی دولت صفوی یافت. در آغاز سلطنت شاه تهماسب اول، عبیدالله خان ازبک در سال ۹۳۴ ق رو به استرآباد نهاد و شهر را تصرف کرد و پسر خود عبدالعزیز سلطان را حاکم آن قرار داد. نبرد میان لشکریان صفوی و ازبک در سال‌های ۹۳۵ تا ۹۳۴ ه.ق ادامه داشت و شهر، گاه در تصرف ازبک‌ها بود و گاه در دست صفویان. استرآباد در ۹۴۴ ق شاهد شورش جماعتی سیاه پوش

^۱ ذبیحی، گرگان نامه، ص ۳۵.

^۲ لسترنج، جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۴۰۴.

^۳ اعتماد السلطنه، مرآت البلدان، ص ۵۱.